

نگاه بیرون

ایران؛ بازیگر باهوش منطقه The New York Times

ترجمه: شهرام زردران

● بار دیگر عراق عمیقا دچار بحران است. برای سه سال دولت مرکزی در بغداد و منطقه کردستان با هم برای ازین‌بردن داعش همکاری کرده‌اند و جنگیده‌اند. اکنون به دنبال همه‌پرسی ۲۵ سپتامبر برای استقلال منطقه کردستان آنها به‌روی هم اسلحه کشیده‌اند. دینامیسم موجود در عراق بسیار پیچیده است. رقابت‌ها بین خود کردها و اختلافات فرقه‌ای، قومی و سیاسی در بغداد و جنگ علیه داعش در آینه نزدیک عیان است و با این‌همه به نظر می‌رسد افراد بسیاری در واشنگتن و سایر جاها به طرزی نزدیک‌بینانه بر یک فاکتور به نام ایران متمرکز شده‌اند. ایرانی که آن را کنترل‌کننده و مسلط بر وضعیت موجود در عراق می‌داند؛ ایرانی که آنها آن را در جست‌وجوی سیاست خارجی جاه‌طلبانه و توسعه‌طلبانه می‌داند و این تمام داستان نیست. حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق، از زمان به‌قدرت‌رسیدن در سال ۲۰۱۴ برای به‌عقب‌راندن هژمونی ایرانی‌ها سخت تلاش کرده است؛ هرچند او مانند دولت ایران شیعه است و مذاکره می‌کند که اولین و معتقدترین نیوسائلیست عراقی است و او مطمئن پیرو ایدئولوژی انقلابی ایران هم نیست که این امر آقای عبادی را منحصربه‌فرد نمی‌کند.

بیشتر عراقی‌ها شیعه مانند او نمی‌خواهند کشورشان تبدیل به دست‌نشانده جایی شود. مقتدی صدر، روحانی پوپولیست شیعه، در حال حاضر آشکارا با نقش ایرانی‌ها مخالفت می‌کند. حتی نیروهای بسیج مردمی که ترکیبی از حداقل ۶۰ گروه شبه‌نظامی تحت سلطه شیعیان در عراق است تقسیم شده‌اند، بعضی در خط ایران هستند و برخی با ایران مخالفانند. آقای عبادی برای متعادلس کردن اوضاع، خواهان پدید‌آوردن ائتلاف با سایر بازیگران محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. او از عربستان سعودی که مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای ایران است، در ماه‌های اخیر دو بار دیدار کرده و پیوندهای مستحکمی با واشنگتن برقرار کرده است. نخست‌وزیر عراق همچنین به طرزی فزاینده در بین سنی‌های عراق محبوبیت کسب کرده است. هنگامی که در تابستان ۲۰۱۴ داعش سراسر عراق را در هم نوردد، ایران برای نجات عراق با پیش نهاد و به‌سرعت حمایت تاکتیکی و تسلیحاتی لازم را برای عراق فراهم آورد. بعدها هنگامی‌که نیروهای عراقی یک ائتلاف به رهبری ایالات متحده متحد کرد تا به نبرد علیه داعش بپیوندند و این امر با وجود اعتراض قوی ایرانیان رخ داد. این بخشی از محتوایی است که بسیاری در واشنگتن در حال حاضر آن را انکار می‌کنند و این در حالی است که واشنگتن‌نشینان تنش پدیدآمده بین بغداد و کرها را به‌عنوان یک بخش از مانور ایران برای به‌دست‌آوردن دستور بالاتر در کنترل‌شان بر عراق می‌بینند. البته ایران در صحنه سیاست و نبردهای همسایه‌اش درگیر است. در حقیقت ایران قوی‌ترین فاکتور خارجی در عراق است و وقتی نوبت به عراق می‌رسد، تهران پیوسته یک قدم جلوتر از واشنگتن و هم‌بیمانشان است. ایرانی همچنین دارای روابط طولانی و خوبی با اتحادیه میهنی بیروت است، یکی از احزاب پیشرو کرد است. این مجموعه از حقایق به معنای آرزوی نابودی عراق از سوی ایرانیان نیست. ایران که جنگ مرگ‌بار دهه ۱۹۸۰ را به یاد می‌آورد، خواهان تضمین این امر است که عراق مهاجم نباشد؛ اما مقامات ایرانی علاقه‌مند به یک ثبات شیعی و مرزهای امن با عراق هستند. این نمی‌تواند داعش را خیلی نزدیک مرزهای خود تحمل کند؛ چنان‌که فروپاشی عراق در سال ۲۰۱۴ ایران را به مرز هشدار رساند. ترس مقامات در واشنگتن مخالف این بوده؛ اینکه فعالیت ایران در عراق خطرناک و بی‌ثبات‌کننده بوده است. در سال ۲۰۰۳ به این سو مقامات در واشنگتن ایران را عرضی گرفته‌اند. بسیاری به طرزی قابل درک هنوز از بحران گروگان‌گیری سال ۱۹۷۹ با حمایت ایران از شبه‌نظامیان عراقی که در سال ۲۰۰۳ با سربازان آمریکایی می‌جنگیدند، می‌ترسند یا نگران تهدیدات ایران علیه اسرائیل‌اند. وقتی نوبت ایران در عراق می‌رسد، عواطف و احساسات، واقعیت را با مه غلیظی می‌پوشاند و این فهم مقامات در واشنگتن را محدود می‌کند؛ اما برای ایران وقتی نوبت به ایالات متحده در خاورمیانه می‌رسد، پراگماتیسم راهمایی سیاست است و این به معنای موفقیت‌های بیشتر است. ایران برای حکومت عراق یک فاکتور خارجی است؛ درست همان‌گونه که ایالات متحده است. رهبران عراقی مقامات ایرانی در کشورشان را مشاوران نظامی بین‌المللی می‌داند؛ درست همان‌گونه که مشاوران نظامی آمریکایی را چنین می‌پندارند. حکومت عراق هیچ‌یک از این دو را دارای برتری اخلاقی بر دیگری نمی‌داند و هنوز به هر دو آنها نیاز دارد. برای اینکه نهایتا عراق را درست بفهمیم، ایالات متحده باید از انکار درج‌زنده‌اش از پایه ترس از نفوذ ایران بگذرد، این امر را به رسمیت بشناسد که توانایی‌های تهران محدود است و از اینکه حکومت در بغداد چه راه ظرفی را طی می‌کند و در پیش‌رو دارد، منمون باشد. تا آن زمان ایران‌هراسی و ایران‌هراسان درباره یک چیز درست می‌گویند، ایران بازیگر باهوش‌تر در منطقه است.

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

حسن دانایی فر، سفیر پیشین تهران در بغداد، در گفت‌وگو با «شرق»: ناگفته‌های ظهور داعش



زینب اسماعیلی

حسن دانایی فر، سفیر پیشین ایران در عراق، هنوز علاوه بر آنکه حوادث این کشور را دقیق دنبال می‌کند، سعی می‌کند در آنها تاثیرگذار باشد. این را می‌توان از نزدیکی او با مقامات عربی و کرد عراق و رابزنی‌های هرزگاه و مجاورتش با نهادهای تصمیم‌گیر در این حوزه متوجه شد. از سال ۸۹ تا ۹۵ سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق بوده و بعد از حسن کاظمی قمی، به این سمت منصوب شد که سابقه مذاکره با آمریکایی‌ها را در برنده‌هایش دارد؛ اما گفته می‌شود او در تخلیه اردوگاه اشرف و اخراج اعضای گروه تروریستی مجاهدین از عراق نقش مهمی داشت.
مؤلف شوشراس است و این را به‌راحتی در لابه‌لای نوشته‌هایش می‌توان فهمید؛ اگرچه چهره‌اش تصلب نظامی‌ها و سباسبان‌ها هم دارد. ویکی‌پدیا درباره او نوشته: در زمان علی شمشخانی جانشین فرمانده نیروی دریایی سپاه بود. معاونت اداری و مالی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیری ستاد توسعه اقتصادی ایران و عراق را نیز بر عهده داشته است. مدتی نیز فرمانده فرارگاه سان‌دنگی خانت‌الانبیا بوده است.
دانایی فر پیش از آغاز سفارت در عراق، به مدت سه سال دبیر ستاد روابط اقتصادی ایران و عراق در نهاد ریاست‌جمهوری بود و هم‌زمان ریاست ستاد بازسازی عتبات عالیات را نیز بر عهده داشت.

عراق و داخل عراق و جامعه بین‌الملل نسبت به این موضوع حساس بودند و تقریبا تمام اطراف هم نظر واحدی داشتند و تا الان هم نظرشان تغییر نکرده است. سازمان ملل و دیگر کشورهای بین‌المللی و منطقه‌ای حرف واحدی داشتند و آن این بود که در شرایط کنونی پساداعش و در آستانه برپایی جشن نابودی داعش و شرایط خاص به‌وجودآمده در منطقه در این زمان، همه‌پرسی و استقلال طلبی مصلحت نیست و این‌کار نباید انجام شود. از زمانی که این موضوع جدی‌تر شد، قطعا رابزنی‌ها و فعالیت‌ها هم جدی‌تر شد. خود اربیل در این زمینه تردید می‌کرد. متناسب با این وضع پیکیری‌ها نیز به همان نسبت کم و زیاد می‌شد. چرخشی ابتدا صورت نگرفت؛ نه در ایران و نه در دنیا. اشتباه استراتژیک رهبران در اربیل این بود که صدای واحد بین‌المللی، صدای سازمان ملل و صدای منطقه‌ای و داخل عراق را شنیده گرفتند و با نوعی بی‌اعتنایی و نشنیدن موضوعات به راه خودش ادامه دادند و این اشتباه استراتژیک آنها بود. مشاوره‌های غلط و نادرستی و نگاه‌های آرمان‌گرایانه شان باعث شد که آنها به خیلی حرف‌ها گوش نکنند. آنها ذوق‌زده شده بودند و می‌گفتند هیچ‌وقت چنین شرایطی برای ما تکرار نمی‌شود، ما روزانه ۶۰ بشکه نفت صادر می‌کنیم. تصور آنها این بود که بغداد در وضعیت ضعیفی است و نمی‌تواند کاری کند. تصور می‌کردند که روابط بسیار خوبی با تمام دنیا دارند و دنیا رفتارشان را تأیید می‌کند، اما این تحلیل‌ها نادرست بود.

● **ک‌خ‌ب** متناسفانه چنین اشتباه استراتژیکی انجام شد و درگیری‌هایی بین بغداد و اربیل پیش آمد. بر اساس شناختی که از این دولت مرکزی عراق دارید، این ماجرا چقدر ادامه خواهد یافت؟ یعنی استان‌های کردی تحت حکومت دولت مرکزی خواهند ماند یا مانند قبل در مدیریت آن، با اقلیم همکاری می‌کنند؟

● عراق کشوری است با تمامیت ارضی و سه استان دهوک، اربیل و سلیمانیه در استان‌های عراق هستند. دولت عراق قطعا برای تمام استان‌هایش کار خواهد کرد. براساس قانون اساسی، عراق پاسخ‌گوی تمام استان‌هایش خواهد بود و آنها را از نظر امنیت و رفاه حمایت خواهد کرد. ناگفته نماند ساختاری که در کردستان عراق شکل گرفته بود، مبتنی بر چارچوب قانون اساسی عراق بود و البته کردها بیشترین نقش را در تدوین قانون اساسی عراق داشتند. اما این اواخر رهبران مستقر در اربیل می‌گفتند ما قانون اساسی عراق را قبول نداریم.

● **ک‌ش‌ما** به‌درستی از قانون اساسی عراق و مسئولیت دولت بغداد در تأمین امنیت همه کشور سخن گفتید. اما این سؤال برابم پیش می‌آید که پس چرا زمان حمله داعش به ایزدی‌ها و سنجار و کردها، دولت عراق نقشی ایفا نکرد؟ احتمالا اطلاعاتی که در اختیار شما قرار دارد و به آن اشاره کردید، از نظر زمان‌بندی با حوادث آن زمان تطابق ندارد. اگر با دقت حوادث آن دوره را بررسی کنیم، می‌بینیم تا زمانی که داعش به سمت اربیل حمله نکرده بود، پیشمرگه‌ها با داعش درگیر نشده بودند و حوادثی مانند حمله به ایزدی‌ها، شبک‌ها، آشوری‌ها، مسیحیان و دیگر اقلیت‌های مستقر در

● **ک‌ا** به نظر می‌رسید با آزادسازی موصل، فضا بهتر شود و کم‌کم با خروج داعش از عراق، این کشور به سمت آرامش برود؛ ولی بار دیگر آرامش از عراق دور شد. به نظر شما پیش‌فرض آرامش بعد از آزادسازی موصل غلط بود یا اینکه فضا به‌گونه‌ای دیگر پیش رفت؟

● بحث عراق یکی از پرونده‌های بسیار پیچیده و چندوجهی است. بعضی مواقع تحلیل‌ها بر داده‌هایی غیرواقعی یا ناقص از شرایط عراق مبتنی است و در این شرایط جمع‌بندی‌هایی صورت می‌گیرد. حتی اگر این داده‌ها واقعی باشند؛ اما کامل و جامع نباشند، باز نمی‌توان به جمع‌بندی درستی رسید. توقع و انتظار درستی است که عراق پساداعش به سمت آرامش حرکت کند؛ اما باید بدانیم بسیاری از حوادثی که در عراق اتفاق افتاد، معلول تاثیرات پسااسقوط (رژیم دیکتاتوری صدام حسین) و پسااستفحال عراق از سوی آمریکا و تخریب زیرساخت‌های باقی‌مانده از گذشته در آنجا بوده است. مطالبات انباشته‌شده و حملات مستمر تروریست‌ها و ظهور پدیده جعلی داعش، باعث شده شرایط خاصی در عراق پدید آید و بعضا پیش‌بینی‌ها و توقعات را خدشه‌دار کند. البته خوشبختانه شرایط عراق روزبه‌روز در مسیر درست و بهتری قرار گرفته است.

● **ک‌ا** پس پیش‌فرض اینکه پس از آزادسازی موصل عراق آرامش می‌یابد، پیش‌فرض غلطی بود؟

● می‌تواند غلط باشد. در نسشتی که اوایل تیر امسال در روزنامه اطلاعات درباره عراق پس از داعش از سوی دیپلماسی ایرانی برگزار شده بود، به چهار بحران فراروی عراق اشاره کردم و یکی از آن بحران‌ها، مسئله آرمان‌خواهی‌های نابهنگام در کردستان عراق بود و این موضوع پیش‌بینی‌پذیر بود.

● **ک‌م‌ظور‌ستان** ماجرای همه‌پرسی استقلال کردستان و تصمیمات آقای بارزانی است؟

● بله، قطعا این جزء، مصداق‌های آرمان‌خواهی‌های نابهنگام بود. همان زمان صحبت من این بود که در شرایط پساداعش کنونی، این کار به مصلحت عراق نیست. اجازه بدهید عراق به سمت توسعه، سازندگی و بازسازی برود و به آرامشی برسد. در چند ماه گذشته، نصیحت جمهوری اسلامی ایران این بود که الان زمان و شرایط مناسبی برای مطرح‌کردن این موضوعات نیست. البته این فقط حرف ما نبود؛ حرف دنیا هم بود. آنها به این حرف‌ها گوش نکردند. تمام کشورها همین مطلب را تأیید کردند.

● آنها کشور عراق و مردم عزیز کرد را به مسیری بردند که نباید می‌رفت و امروز دچار مشکلات جدی شدند. به نظر شما دولت عراق باید چه اقداماتی انجام می‌داد تا اقلیم کردستان به این سمت‌وسو نرود؟ جناح آقای بارزانی می‌گویند دولت بغداد به تعهدات خود عمل نکرده؛ تعهداتی مانند پرداخت‌های مالی به اقلیم و سهم‌بودن کردها در قدرت. بهنگام‌بودن یا نابهنگام نبودن اعاده این درخواست‌ها، موضوع سؤال نیست؛ سؤال این است که دولت بغداد برای اینکه اقلیم کردستان را از بزرگاری فرزندوم منصرف کند، چه اقدامات مشخصی انجام داد؟

● سؤال بسیار خوبی است. کشور ما به‌عنوان کشوری که مسائل عراق را به حکم هم‌جواری با نزدیک رصد می‌کند، وسایط کرد تا هیئتی از اقلیم کردستان عراق برای پیکیری مطالبات و مشکلاتشان به بغداد بروند. البته بعضی از مطالبات اقلیم، مطالبات به‌حقی است و به آنجا اختصاص دارد و بعضی دیگر هم مطالباتی است که مشابه آن را مردم دیگر شهرهای عراق هم دارند. در شرایطی که از این چند سال بر عراق حکم بوده، کمبودها و عقب‌افتادگی‌هایی از نظر خدمات رفاهی و مسائل مادی وجود دارد که مربوط به همه عراق است و اختصاصا مربوط به اقلیم کردستان نیست.

● به‌رحال قرار شد این تیم برود و مذاکره کند و رسما وزارت امور خارجه کشورمان اعلامیه داد و این روند پیشیشانی کرده؛ اما هیئت کردی وقتی به بغداد رفت براساس توصیه‌های دریافتی از اربیل، درباره فرزندوم صحبت کرد و در مورد مطالباتشان صحبت نکردند، بلکه فقط به این موضوع پرداختند که در آینده به‌عنوان دو کشور چگونه در کنار هم زندگی کنیم؟ این رفتار در عرف مذاکرات و عرف دیپلماتیک و عرف سیاسی خیلی ناپسایسی است. نسبت به طرفی که وسایط کرده و طرفی که پذیرفته مذاکرات انجام شود.

● **ک‌ا** هیئت مشاسیهی از اقلیم در آن زمان برای مذاکره به ایران آمد. آنها در تهران هم به دنبال این بودند که برگزاری فرزندوم را توجیه کنند؟

● هیئتی که همه ایران آمد، مشکلاتشان را مطرح کردند. ما بعد از شنیدن مشکلاتشان به آنها اعلام کردیم که خیلی از این مسائل درست و بجاست و باید پیکیری شود. بعد از آن جلسه بود که رایزنی انجام شد تا نسشتی در بغداد داشته باشند.

● **ک‌ا** از زمانی که موضوع همه‌پرسی مطرح شد، جمهوری اسلامی ایران با ادبیات‌های مختلفی، مخالفت خودش را اعلام کرد. آرام‌آرام این مخالفت شدت گرفت. تا جایی که مرزها بسته شد. مذاکرات ایران با رهبران اقلیم برای منصرف‌کردن آنها از فرزندوم، چه بازه زمانی به طول انجامید؟

● فقط جمهوری اسلامی ایران با این موضوع مواجه و مخالف بود، بلکه تمام کشورهای اطراف

عراق و داخل عراق و جامعه بین‌الملل نسبت به این موضوع حساس بودند و تقریبا تمام اطراف هم نظر واحدی داشتند و تا الان هم نظرشان تغییر نکرده است. سازمان ملل و دیگر کشورهای بین‌المللی و منطقه‌ای حرف واحدی داشتند و آن این بود که در شرایط کنونی پساداعش و در آستانه برپایی جشن نابودی داعش و شرایط خاص به‌وجودآمده در منطقه در این زمان، همه‌پرسی و استقلال طلبی مصلحت نیست و این‌کار نباید انجام شود. از

زمانی که این موضوع جدی‌تر شد، قطعا رابزنی‌ها و فعالیت‌ها هم جدی‌تر شد. خود اربیل در این زمینه تردید می‌کرد. متناسب با این وضع پیکیری‌ها نیز به همان نسبت کم و زیاد می‌شد. چرخشی ابتدا صورت نگرفت؛ نه در ایران و نه در دنیا. اشتباه استراتژیک رهبران در اربیل این بود که صدای واحد بین‌المللی، صدای سازمان ملل و صدای منطقه‌ای و داخل عراق را شنیده گرفتند و با نوعی بی‌اعتنایی و نشنیدن موضوعات به راه خودش ادامه دادند و این اشتباه استراتژیک آنها بود. مشاوره‌های غلط و نادرستی و نگاه‌های آرمان‌گرایانه شان باعث شد که آنها به خیلی حرف‌ها گوش نکنند. آنها ذوق‌زده شده بودند و می‌گفتند هیچ‌وقت چنین شرایطی برای ما تکرار نمی‌شود، ما روزانه ۶۰ بشکه نفت صادر می‌کنیم. تصور آنها این بود که بغداد در وضعیت ضعیفی است و نمی‌تواند کاری کند. تصور می‌کردند که روابط بسیار خوبی با تمام دنیا دارند و دنیا رفتارشان را تأیید می‌کند، اما این تحلیل‌ها نادرست بود.

● **ک‌ا** یعنی اطلاعات شما را درست نمی‌دانستند؟ بله، درست نمی‌دانستند. من گفتم ما چه کار به آمریکایی‌ها داریم، شاید آنها با داعش شریک باشند؟ اسم یکی، دو نفر را آوردند و گفتند آنها نمی‌گذارند چنگی شود. من گفتم شاید آنها خودشان عضوی از این برنامه باشند. واکنش بعضی از رهبران کرد در قبال داعش و رفتار آمریکایی‌ها را اتفاقا در رقابت‌های تبلیغاتی نامزدهای ریاست‌جمهوری آمریکا شاهد بودیم- از جمله بعضی از افشاکری‌ها در سطح کلان و می‌توانیم به رفتار و اعمال اجرایی و میدانی آنان

●

● **ک‌ا** ما برخی منتقد عملکرد ایران در مورد کردها هستند و معتقدند زمان حمله داعش به اقلیم کردستان جمهوری اسلامی ایران کمک نکرد.

● یکی از مناطقی که ما به‌طور جدی کمک کردیم، کردستان عراق بود. در منطقه مخمور جنوب اربیل شهید دادیم. آمریکایی‌ها هم در بغداد و هم در اربیل وقتی داعش همه جا را گرفت، با تأخیر زمانی معنی‌داری وارد شدند. حمایت‌هایی که ایران از اقلیم کرد، کمتر مجموعه‌ای انجام داد؛ چه از نظر آموزش، تأمین نیازمندی‌های فوری نظامی و اطلاعاتی ……

●

● نیز اشاره کنیم. ● **ک‌ا** ما برخی منتقد عملکرد ایران در مورد کردها هستند و معتقدند زمان حمله داعش به اقلیم کردستان جمهوری اسلامی ایران کمک نکرد. یکی از مناطقی که ما به‌طور جدی کمک کردیم، در منطقه کردستان عراق بود. در منطقه مخمور جنوب اربیل شهید دادیم. آقای بارزانی رسما به‌طور مکتوب از جمهوری اسلامی تشکر کرد. چون آمریکایی‌ها هم در بغداد و هم در اربیل وقتی داعش همه جا را گرفت، با تأخیر زمانی معنی‌داری وارد شدند. در سفری که آقای دکتر ظریف، وزیر محترم خارجه کشورمان در آن ایام به اقلیم داشتند، آقای مسعود بارزانی رئیس وقت اقلیم کردستان عراق در مصاحبه مطبوعاتی مشترکی رسما تشکر کرد. همچنین دو بار دیگر در دو مصاحبه از حمایت‌ها و کمک‌های جمهوری اسلامی ایران در جلوگیری از سقوط اربیل و مقابله با داعش تشکر کرد. حمایت‌هایی که ایران از اقلیم کرد، کمتر مجموعه‌ای انجام داد؛ چه از نظر آموزش، تأمین نیازمندی‌های فوری نظامی و اطلاعاتی ……

● **ک‌ا** دولت عراق چرا در جهت حمایت از اقلیم کاری نکرد؟

● دقیقا سؤال جناب‌عالی روشن نیست. اگر

روزنه

سیاست یک‌بام‌ودو‌هوای روسیه در منطقه

آزاده بابایی‌نژاد

● «ولادیمیر پوتین»، رئیس جمهوری روسیه، در سفر هفته گذشته خود به تهران پیامون مسائل مهم منطقه‌ای و نیز آینده پرورنده هسته‌های ایران با مقام‌های ایران به‌گفت‌وگو نشست. در همین حال و به باور آگاهان سیاسی، جنگ داخلی شش‌سال‌واندی سوریه منجر به شکل‌گیری محور تازه‌ای میان سه کشور ایران – روسیه – ترکیه شده و این گمانه‌زنی را تقویت می‌کند که مسکو آگاهانه از ورود تهران و آنکارا به گود بحران سوریه حمایت کرده و در نبود یک استراتژی مشخص از سوی دولت پیشین و کنونی آمریکا در قبال بحران منطقه‌ای یادشده، مسکو نقش مؤثر و فعالانه‌ای به این دو کشور تقویض کرده تا اینچنین در مقابل حضور گروه‌های وابسته به کشورهای عربی منطقه، به‌ویژه عربستان بایستد. باید گفت با توجه به تقابل‌های جدی و استراتژیک و نیز منافع دو کشور ترکیه و ایران، به‌ویژه درباره نقش و نفوذ آمریکا در منطقه به توافق برسد و از سوی دیگر، دست همکاری به سوی عربستان دراز کند؛ شاهد این ادعا، سفر اخیر سلمان بن‌عبدالعزیز، پادشاه عربستان، به روسیه در پنجم اکتبر بود. مسکو ضمن برپایی مراسم استقبال باشکوه از پادشاه عربستان، قراردادهای همکاری مشترک متعددی به ارزش میلیاردها دلار در زمینه‌های مختلف از‌جمله انرژی (نفت، گاز و انرژی هسته‌ای)، نظامی و هوافضا با ریاض به امضا رساند. در مجموع، حدود ۱۵ قرارداد اقتصادی و نظامی میان روسیه و عربستان در مسکو امضا شد که شاید مهم‌ترین آن‌ها قرارداد فروش سامانه موشکی اس-۴۰۰ به ریاض بود. عربستان نیز در جولای ۲۰۱۵ وعده سرمایه‌گذاری هتفقتی به ارزش ۱۰ میلیارد دلار را به روس‌ها داده بود. در همین حال و به نوشته «المیانه» چاپ امارات متحده عربی، تهران و آنکارا موفق شده‌اند به شکل ماهرانه‌ای از سیاست‌های عمل‌گرانه‌در راستای تأمین منافع مشترک بهره ببرند. در چنین شرایطی، سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که توانمندی عرب‌ها برای داشتن روابط مشابه و متوازن با قدرت‌های منطقه، تا چه حدی است؟

نگاه

ایران و جمهوری آذربایجان در دوران نوین فرزاد رضانی‌پوشن

● روابط ایران و جمهوری آذربایجان روزهای خوبی را می‌گذرانند؛ اگرچه روابط دو کشور فرارزوفوردهای زیادی را به خود دیده است. از زمان استقلال جمهوری آذربایجان، رابطه تهران با باکو وارد دوره نوین روابط شده است؛ این دو کشور موضوعات مشترک زیادی را برای گفت‌وگو و تعامل با یکدیگر دارند، البته اختلاف‌های زیادی را هم پشت سر گذاشته‌اند. دین مشترک، فرهنگ مشترک، علایق تمدنی مشترک و سایر مؤلفه‌های متعدد، در این روابط تاثیرگذار است و می‌تواند مسیر تعامل میان حکومتی را هموار کند. عوامل مختلفی از‌جمله اختلاف بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، ترس باکو از اسلام شیعی و نفوذ اندیشه‌های انقلابی در کشور خود، تبلیغات منفی رسانه‌ها علیه ایران، همکاری‌های جمهوری آذربایجان با ناتو و …… باعث می‌شود گهگاه روابط دو کشور به سردی و تیرگی گرایند؛ اما این روزها خیلی از این مشکلات برطرف شده است. در حال حاضر، حجم روابط دو کشور در مسیر مناسبی قرار دارد؛ در بیش از دوونیم دهه گذشته، نوع نگاه رهبران جمهوری آذربایجان به مسئله اسلام‌گرایی و نگاه آنها به مؤلفه دین، از مؤلفه‌هایی بوده که بر جامعه تاثیر گذاشته است؛ آنها دین را به عنوان یکی از چالش‌های سطح روابط سیاسی عنوان کرده‌اند در حالی که دین در ایران نوعی فرصت در روابط به حساب می‌آید. یکی از چالش‌های میان روابط دو کشور، نوع نگاه متفاوت بین دو کشور به مسئله قره‌باغ است؛ ایران تلاش کرده در این مدت درباره مسئله قره‌باغ بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان نقش میانجیگری را ایفا کند؛ اما برخی از مقامات در جمهوری آذربایجان خواهان این بودند که ایران با ارمنستان قطع‌رابطه کند. در حالی که ایران تلاش کرده به میانجیگری در کاهش سطح تنش در روابط دو کشور عمل کند. نوعی اعمال سیاسی قدرت‌های بزرگی مثل آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی نیز این تنش‌ها را بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان بیشتر کرده است. با وجود ویژگی‌های هم‌گرایی بسیاری که در روابط دو کشور وجود دارد و تلاش برای بسط روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی با این کشور، علل مختلف گفته‌شده باعث شده است تا دو کشور نتوانند آن‌طور که باید، از ظرفیت‌های موجود برای همکاری استفاده کنند.

منظوراتان زمانی است که داعش به اقلیم حمله کرد، پس از عقب‌نشینی نیروهای مسلح عراق از مناطقی مثل موصل، الانبار، بخش‌هایی از صلاح‌الدین و دیاله وضعیت و شرایطی به وجود آمده بود که خود به خود تمام نیروهای مسلح عراق اعم از ارتش و نیروهای حشدالشعبی با تمام توان و قدرت در مناطق در حال دفاع یا حمله به داعش بودند. پیشمرگه‌ها همان‌طور که قبلا اشاره کردم، وقتی با داعش درگیر شدند که داعش به اربیل حمله کرد و در این ایام، نیروهای مسلح و مردمی در تمام جبهه‌ها مشغول بودند. سؤال شما این بود که دولت عراق در آن شرایط چه کار کرد و چرا از اقلیم دفاع نکرد؟ به نظر من پس از حمله داعش به سمت اربیل، پیشمرگه‌ها هم در صف مبارزه با داعش در کنار ارتش و نیروهای مردمی عراق قرار گرفتند و در صف واحد علیه داعش مبارزه کردند. در این ایام وضعیت دولت عراق به‌گونه‌ای بوده که نمی‌توان چنین قضاوتی در مورد عملکردش داشت. من می‌خواهم بر این موضوع تأکید کنم که نقش اصلی و میدانی در حمایت از بغداد و اربیل برای مبارزه با داعش را کشور من و شما یعنی جمهوری اسلامی ایران از نظر پیشیشانی، مشاوره، آموزش و دیگر خدمات با هموقع با محوریت دولت عراق انجام داده است. مردم عراق اعم از عرب، کرد و ترکمان و سنی و شیعه توانستند بر فتنه داعش فائق شوند. قهرمان اصلی مبارزه با داعش حشدالشعبی، ارتش، پلیس عراق، پیشمرگه و دولت عراق هستند. شما شاهد مشاجرات آقای تارمپ با خانم کلینتون در خصوص نقش آمریکا در راه‌اندازی داعش بودید، آمریکایی‌ها عملا با داعش همراهی کردند. بیش از ۱۸ ماه از بمباران خطوط لجستیکی و مواصلاتی داعش اعماض کردند، روزانه صدا تانکر نفت و مشتقات نفتی از سوریه و عراق توسط داعش به خارج می‌رفت و تردد آنان کاملا در انظار بر دو هواپیمایهای اتلاف بود ولی هیچ کاری علیه آنان انجام نمی‌دادند. آثار باستانی به‌سرت‌رفته در موصل و شهرهای سوریه در بازارهای آمریکا و اروپا به‌فروش می‌رسید، البته پس از اینکه داعش در اروپا اقداماتی علیه بعضی از کشورهای اروپایی انجام داد، وضعیت متفاوت شد و حملات هوایی توسط ائتلاف تا حدودی بهبود یافت. اینکه آمریکایی‌ها امروز بخواهند قهرمان مبارزه با داعش باشند معنا ندارد، از ابتدا آمریکایی‌ها با حضور نیروهای مردمی که بر مبنای فتوای حضرت آیت‌الله سیستانی شکل گرفت، مخالف بودند و هر روز به بهانه‌هایی از همکاری با آنان خودداری می‌کردند. موضع فعلی آقای تی‌لرسون ادامه همان روند گذشته است.

● **سوی تی‌لرسون** به سفر او به منطقه نقب می‌زنم و نسشتی که در ریاض داشت، حتی کمی عربستان، ماجرای سفر اقلیم الجبیر، وزیر خارجه عربستان، به عراق که بعد از حدود دو دهه انجام شد. گویا فضا در منطقه به نحوی پیش رفته که هرکسی به این فضا، مناسبات حیدر العبادی و پادشاهی عربستان چگونگی پیش می‌رود؟ عراق یک کشور عربی است. ما پیش از ۵۰ کشور عربی در دنیا داریم. این کشورها سازمان‌های خاص منطقه‌ای و بین‌المللی دارند. عراق عضوی از اتحادیه عرب است. این منطق و حرف که کسی تصور کند عراق باید ارتباطش را با اطراف خود قطع کند و فقط با کشورهای خاصی ارتباط برقرار کند، حرفی درستی و منطقی نیست. عراق همسایگان عرب و غیرعرب دارد و تلاش دارد روابط خودش را با همسایگان عرب و غیرعرب خود توسعه بدهد. کمالاتی که در حوادث اخیر ما دیدیم که عراق برای تربیم مشکلاتی که بین عراق و ترکیه بود، متقابلا ترکیه در جهت بازسازی روابط خود با عراق اقدام کرد. عربستان سعودی حتی اگر عرب هم نبود، همسایه‌ای بود که عراق در جنوب با آن مرزهای طولانی دارد. بیش از ۷۵۰ کیلومتر مرز مشترک بین عراق و عربستان سعودی است. عربستان سعودی پس از حدود سه دهه با عراق روابط سیاسی برقرار کرد. از سال ۱۹۹۰ که صدام به‌کویت حمله کرد، این روابط قطع شد. بعد از سقوط صدام، عملا سعودی‌ها دولت‌های پس از سقوط را به رسمیت نشناختند و یک دوره نسبتا طولانی از در مخالفت و ایجاد مشکل در داخل عراق برآمدند؛ اما نتوانستند ترکیه در نتیجه دلخواه خود برسند تا اینکه در اواخر ۲۰۱۵ به عراق سفیر فرستادند. البته رفتار سفیر اعزامی به‌گونه‌ای بود که بعدها از عراق اخراج شد. ظرفین اصرار داشتند رابطه حفظ شود. این رابطه هم همان‌طور که اشاره کردید، با سفر جبیر به عراق در سال گذشته صورت گرفت و دیدارهایی که در اردن بین ملک و آقای عبادی برگزار شد. در سطوح معاونان وزیر خارجه دائما توافق‌آمد نیز انجام شد. ادامه در صفحه ۱۹